

# بخشنامه‌هایی که آموزش زبان دوم را به تاخیر می‌اندازند

«اعتماد» جزییات منع آموزش زبان‌های خارجی در کودکان را بررسی می‌کند

## آموزش زبان خارجی به کودکان زیر 7 سال ممنوع است

الهه باقری‌سنجری

در دهه‌های گذشته، شاید ارتباطات به مفهوم امروزی گسترش پیدا نکرده بود و افراد معدودی در برخی مشاغل نیاز به مهارت در زبان‌های خارجی داشتند یا به بیانی دیگر، در سال‌هایی نه چندان دور، مهارت در زبان‌های خارجی، شاید فقط در برخی مشاغل برگ برنده به شمار می‌رفت، اما امروز، برای همه ما واضح است که مهارت در زبان‌های خارجی، جزو جدایی‌ناشدنی از شغل و زندگی ما شده است؛ حتی در امور روزمره از دفترچه آموزش وسایل منزل گرفته تا استفاده از موبایل و جست‌وجو در فضای مجازی. این موضوع، ضرورت آموزش زبان‌های خارجی، به‌خصوص زبان انگلیسی را که زبانی بین‌المللی شناخته می‌شود، نشان می‌دهد. این در حالی است که از دهه‌های پیش تاکنون، آموزش رسمی زبان انگلیسی در مدارس، پس از پایان دوران ابتدایی آغاز می‌شود؛ معضلی که شاید بسیاری از متولدین دهه‌های 50 یا 60 که آموزش زبان را در مدارس آغاز می‌کردند، با آن روبه‌رو هستند. در واقع اغلب ما آسیب‌های دیر شروع کردن زبان‌آموزی را امروز در شغل و حرفه و زندگی خود مشاهده می‌کنیم، آن‌هم در شرایطی که آموزش از آغاز می‌شود که به گفته برخی معلمان مدارس، شلوغی کلاس، کمبود زمان یا ضعیف بودن منابع آموزشی، عملاً نتیجه قابل‌قبولی برای دانش‌آموزان ندارد و آنها جز موارد بسیار پایه‌ای و ابتدایی، توانمندی خاصی در زبان خارجی پیدا نمی‌کنند. بنابراین، با توجه به اینکه امروزه توسعه ارتباطات و منسجم‌شدن کشورها در قالب یک کل جهانی، همچنین گسترش فعالیت‌های اقتصادی، تجاری، علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی

و... بین‌المللی است، آشنا نبودن با زبان (های) خارجی، می‌تواند باعث محصور شدن و دور ماندن از پیشرفت‌ها باشد.

با این حال، هنوز هم رویکرد وزارت آموزش و پرورش، آغاز زبان‌آموزی در مدارس بعد از دوران ابتدایی است و بر اساس بخشنامه‌ای که از طرف سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک منتشر شده، به‌طور رسمی آموزش زبان به کودکان زیر هفت سال در کودکان‌ها ممنوع اعلام شده است. هرچند که این تصمیم جدید نیست، اما در دو، سه سال اخیر و با آغاز به کار رسمی سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک، خبرساز شده و توجه والدین و علاقه‌مندان به یادگیری زبان در کودکان‌ها را به خود جلب کرده است.

## سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک

### چگونه شکل گرفت

شورای عالی انقلاب فرهنگی، به منظور ساماندهی امور مرتبط با تعلیم و تربیت دوره کودکی، در 25 آذر 1399 تصویب کرد که تمامی امور مهدکودک‌ها و سایر مراکز نگهداری کودکان اعم از صدور مجوز، برنامه‌ریزی، هدایت و نظارت، تقویت و استانداردها و ارزیابی به وزارت آموزش و پرورش محول و برای یکپارچه‌کردن امور مرتبط با تعلیم و تربیت کودک، نهادی وابسته به این وزارتخانه تشکیل شود. بر این اساس، هفتم بهمن 1399، شورای عالی انقلاب فرهنگی، اساسنامه «سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک» را تصویب کرد و 26 اسفند 1399، برای اجرا ابلاغ شد و در نهایت، این سازمان در 13 مرداد 1400، به‌طور رسمی با حضور وزیر آموزش و پرورش، آغاز به کار کرد. سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک یک سازمان دولتی زیرمجموعه وزارت آموزش و پرورش است که ساماندهی امور مربوط به مهدهای کودک، کودکان‌ها، مراکز پیش‌دبستانی و سایر مراکز نگهداری و آموزش کودکان زیر 6 سال را بر عهده دارد.

## مصوباتی درباره آموزش زبان خارجی

### به کودکان

سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک، در راستای انجام وظایف و مأموریت‌های خود به‌ویژه ارتقای کیفی خدمات آموزشی و تربیتی در کودکان‌ها، اقدام به معرفی بسته‌های تربیت و یادگیری ویژه کودکان زیر 7 سال کرده است. تازه‌ترین بخشنامه و شیوه‌نامه این سازمان در

16 مهر 1402 با پیوست‌هایی منتشر شده است. در یکی از این پیوست‌ها، با عنوان معرفی بسته‌های تربیت و یادگیری و تربیت کودک 1402-1403 به پرهیز از آموزش زبان‌های خارجی پرداخته شده است. در بخشی از بند 9 این پیوست گفته شده: «توصیه می‌شود که در عین برجسته کردن عناصر هویتی و بومی، بر عناصر هویت‌بخش و وحدت‌بخش کشور تاکید و از آموزش زبان خارجی پرهیز شود. نظارت بر این امر برعهده واحد ذی‌ربط در اداره کل آموزش و پرورش است.»

همچنین در ماده 51 پیوست دیگری از این بخشنامه با عنوان شیوه‌نامه ساماندهی و مدیریت امور اجرایی کودکانها 1402-1403 هم نکاتی درج شده که در آن موسس، مدیر و مربی کودکانها را نسبت به رعایت ملاحظات ارزشی و فرهنگی و تربیتی مسوول کرده و اعلام شده که سازمان نیز، به عنوان مرجع انحصاری راهبري و هدایت تعلیم و تربیت کودکان تا 6 سال تمام و واحدهای استانی، شهرستانی، منطقه‌ای و نواحی متناظر آن بر رعایت این ملاحظات در تمامی کودکانها و مراکز تربیت کودک سراسر کشور نظارت خواهند کرد. در بند 3 این ماده، یکی از ملاحظات به این شکل ارایه شده است: «تقویت هویت فردی، خانوادگی و ملی کودکان با ملاحظات ذیل: الف) تقویت و تسهیل یادگیری زبان و ادبیات فارسی معیار ضمن احترام به زبان مادری کودک. ب) عدم تبلیغ زبان‌های خارجی و آموزش آن در کودکان.»

مجتبی همتی‌فر، معاون وزیر و رییس سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک، درباره جزییات این شیوه‌نامه به «اعتماد» می‌گوید: «سیاست کلی سازمان، به عنوان سازمانی ذیل وزارت آموزش و پرورش، تابع سیاست‌های کلی نظام و اسناد کلان است. درمورد زبان خارجی هم، سیاست‌های نظام مشخص است که از دوره راهنمایی، آموزش رسمی آن در نظام آموزشی آغاز می‌شود و در دوره ابتدایی، تاکنون آموزش زبان را به شکل رسمی در مدارس نداشتیم، هرچند که در آموزشگاه‌ها این آموزش اجرا می‌شود. درمورد دوره پیش از دبستان یا همان دوره اوان کودکی که ذیل ماموریت سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک قرار می‌گیرد، اساسنامه‌ای به عنوان راهنمای آموزش دوره پیش‌دبستانی وجود دارد که بر اساس مصوبه سال 1387 است و در آن، مشخص شده که به چه مواردی باید پرداخته شود و زبان خارجی در آن نیست.»

همتی‌فر درمورد دلیل منع آموزش زبان خارجی به کودکان زیر 7 سال توضیح می‌دهد: «اگر قرار باشد آموزش زبان خارجه در کودکانها و به صورت رسمی وجود داشته باشد، جزو مواردی است که از نظر ما و با نگاه کارشناسانه، باعث آسیب به کودک می‌شود. همین موضوع، در

شیوه نامه ساماندهی و مدیریت اجرایی کودکانها مربوط به سال 1402-1403 هم به صراحت آمده که ذیل بحث تقویت هویت ایرانی- اسلامی کودک و ادبیات فارسی، بر عدم آموزش زبانهای خارجی و تبلیغ آنها در کودکانها تاکید شده است.»

معاون وزیر آموزش و پرورش، با تاکید بر اینکه محتوای این بخشنامهها ذیل چتر کلان وزارتخانه قرار دارد، میگوید: «در بخشنامه‌ای که سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک منتشر کرده و در آن بسته‌های آموزشی در کودکانها معرفی شده، فقط از باب یادآوری به پرهیز از آموزش زبان خارجی اشاره شده و در واقع تدوین آن بر اساس یکی از شاخصهای اسناد کلان (که اساسنامه سازمان هم جزئی از آن است) بود که بر تقویت ادبیات فارسی و یادگیری آن و آموزش زبانی کودکان تاکید دارد و در عین حال، تبلیغ زبانهای خارجه در این آیین نامه به صراحت منع شده است.» به گفته او، ملاحظات ارایه شده در شیوه نامه سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک، مورد نظارت قرار خواهد گرفت و رعایت آنها الزامی است.

همتی‌فر، با اشاره به بررسی‌های دقیق‌تر سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک در مورد آموزشها (زبانهای خارجی) به کودکان توضیح می‌دهد: «سازمان در حال بررسی کارشناسی دقیق‌تری است که بتواند چارچوب مفصل‌تری را در مورد موضع خود در مقابل زبان خارجی و زبان دوم مطرح کند، چراکه بخشی از زبان دوم به زبانهای بومی مربوط میشود که در برخی مناطق ایران، زبان مادری کودکان غیرفارسی است. این موضوع سیاست مفصلی دارد که در حال حاضر سازمان روی آن کار میکند. بخش دیگر هم زبان خارجی یا زبان بیگانه است که در آن مورد هم، در حال کارشناسی تفصیلی سیاست سازمان هستیم که به طور مفصل چارچوبی را مشخص کرده و تصویب و ابلاغ می‌کنیم.»

## هرچه سن کودک بالاتر برود

### سرعت زبان‌آموزی‌اش کمتر خواهد شد

این توضیحات و تصمیمات، در حالی ارایه میشود که بسیاری از کارشناسان و مدرسان، بر آموزش زبان خارجی در سنین کودکی تاکید دارند، چراکه مغز کودک در سنین پایین، در حال رشد و آماده برای یادگیری موارد جدید است. در واقع خاصیت اسفنج‌گونه‌ای دارد که اطلاعات جدید را جذب می‌کند. ملودی باقری، مدرس زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه در گفت‌وگو با «اعتماد» بر این خاصیت کشسانی مغز

کودکان و تاثیر آن بر زبان‌آموزي تاكيد کرده و مي‌گويد: «اين خاصيت، عاملي براي توانايي کودکان زير 10 سال براي يادگيري مهارت‌هاي مختلف است و اگر کودک در اين سنين، زبان‌هاي خارجي غير از زبان مادري خود را بياموزد، حتي لهجه بهتري هم در اداکردن کلمات پيدا مي‌کند. به گفته او هرچند که انتخاب برنامه‌هاي آموزشي پيش از دبستان، يك تصميم شخصي براي والدين است، اما هرچه سن کودک بالاتر برود، چون مغز حالت کششاني خود را از دست مي‌دهد، سرعت زبان‌آموزي‌اش کمتر خواهد شد. بنا بر اين به لحاظ علمي، هيچ منع و نگراني‌اي براي آموزش زبان به کودکان وجود نخواهد داشت.»

همچنين، نتيجه يك تحقيق در دانشگاه ام‌آي‌تي امريکا که در اول مه 2018 و تحت عنوان Cognitive scientists define critical period for learning language جديد در بزرگسالي، دشوارتر از کودکی است. در اين تحقيق گفته شده که کودکان در يادگيري دستورزبان خارجي، مهارتي بيش از انتظار دارند و اگر تا قبل از 10 سالگي، شروع به زبان‌آموزي کنند، در بزرگسالي آن زبان را مانند زبان مادري خود ميشناسند و صحبت مي‌کنند. همچنين گفته شده که تفاوت چندانتي ميان سن زبان‌آموزي از بدو تولد تا 10 سالگي ديده نشده اما پس از آن، با کاهش توانايي در آموزش زبان روبه‌رو خواهيم بود، بنا بر اين زمان ايده‌آل براي يادگيري هر زبان خارجي، از زمان تولد تا 10 سالگي است. اين يافته‌ها براساس تجزيه و تحليل يك آزمون ميان نزديک به 670 هزار زبان‌آموز بوده که تا حدودي به عنوان يکي از بزرگ‌ترين مجموعه داده‌ها شناخته ميشود.

هرچند که شايد نظر برخي کارشناسان اين باشد که آموزش زبان خارجي قبل از يادگيري الفبای فارسي، ممکن است کودک را در نوشتن و خواندن فارسي دچار مشکل کند، اما مديران مهدکودک‌هاي دوزبانه و آموزشگاه‌هاي زبان کودک که به‌طور عملي و نه صرفاً تئوري زبان‌آموزي به کودکان را تجربه کردند، نظر ديگري دارند. به گفته بسياري از آنها، کودکانی که در کلاس‌هاي قبل از دبستان شرکت مي‌کنند، مهارت‌هاي شناختي‌شان افزايش يافته و خطرات تاخير در رشد آنها کاهش مي‌يابد. همچنين، علاوه بر يادگيري آسان‌تر در کودکی، اين موضوع هم قابل توجه است که کودکان در سنين پايين، از آموزش زبان خارجي ترس و اضطرابي ندارند، چراکه قرار نيست قوانين نوشتاري يا دستورزبان را بياموزند و فقط از طريق بازي، با کلمات و جمله‌ها آشنا ميشوند.

**حافظه خالي کودکان**

## بستري مناسب براي يادگيري است

الهام جعفري، از مديران مهدكودك‌هاي دوزبانه در تهران در گفت‌وگو با «اعتماد» درمورد آموزش زبان خارجي به كودكان زير هفت سال مي‌گويد: «من با توجه به تجربه‌اي كه در اين سال‌ها و به دليل آموزش زبان به كودكان كسب كردم، صددرد مخالف اين موضوع هستم كه آموزش زبان خارجي قبل از آموزش الفبائي فارسي براي كودكان مشكل‌ساز ميشود. از طرفي، علم روانشناسي روز هم مي‌گويد يادگيري هر زبان، به يادگيري بهتر زبان بعدي كمك مي‌كند. اگر ما حتي تمايل و دلايل والدين را براي آموزش زبان به كودكانشان نديده بگيريم، توجه به اين نكته ضروري است كه تا پايان هفت سال، هوش انتزاعي كودكان شكل نگرفته و دركي از مطالب ندارند. يعني اگر بخواهيم خواندن ساعت را هم به كودك آموزش دهيم، از هوش ديداري و شنيداري آنها استفاده مي‌كنيم كه باعث ميشود موارد آموخته شده، بهتر و ماندگارتر در ذهن آنها ثبت شود. از طرفي، كودكان يك حافظه خالي و كاملا مستعد دارند كه اين موضوع براي آموزش به آنها بسيار مفيد است. يعني ما در مهدكودك‌ها مي‌بينيم كه كودكان 4 ساله، بهتر از كودكان 6 ساله زبان انگليسي را آموزش مي‌بينند. يعني هر قدر سن پايين تر باشد، زبان دوم را مانند زبان مادري مي‌آموزند.»

اين مدير مهدكودك دوزبانه و مدرس زبان، درباره نظارت‌ها بر اجراي بخشنامه سازمان ملي تعليم و تربيت كودك مي‌گويد: «چند سالي است كه اين بخشنامه‌ها به مهدكودك‌ها و پيش‌دبستاني‌ها ارايه ميشود و پيش از اين محدوديت چنداني براي اين مراكز ايجاد نميشد. در واقع ناظران هم بيشتر تمايل به همكاري و همراهي با مهدكودك‌ها داشتند. امسال اما به طور جدي اعلام شده كارشناساني كه به عنوان بازرس به مهدكودك‌ها مي‌آيند، ملاحظات را جدي تر پيگيري خواهند كرد. اين موضوع براي مديران مهدكودك‌هاي دوزبانه، نگراني‌هايي ايجاد کرده است. از طرفي، با توجه به ماهيت مهدكودك‌هاي دوزبانه، حذف زبان خارجي در اين مراكز، مفهوم آنها را تغيير خواهد داد. البته اين محدوديتها فقط براي زبان خارجي نيست و درمورد آموزش‌هاي ديگر هم كتاب و انتشارات مشخمي را معرفي کرده‌اند، يعني ديگر نمي‌توانيم مانند گذشته از كتاب‌هاي كمك‌آموزشي يا بازي‌هاي فكري‌اي كه مورد تايد خودمان بود، استفاده كنيم.»

**رويکرد والدين براي آموزش زبان**

**به كودكان تغيير نمي‌كند**

او با بیان اینکه اگر بخشنامه مورد نظر با بررسی و نظارت دقیقی اجرا شود، شاید سختگیری‌هایی در آموزش زبان‌های خارجی در کودکانها اعمال شود، می‌گوید: «شاید این قوانین بتوانند محدودیت‌هایی در مهدکودک‌ها ایجاد کنند، اما تصمیم والدین را تغییر نخواهند داد. ما در سال‌های اخیر، بسیار شاهد این موضوع بودیم که درصد بالایی از خانواده‌ها مکانی را به عنوان مهدکودک انتخاب می‌کنند که علاوه بر نگهداری از کودکشان، آموزش‌های جانبی و به‌خصوص زبان انگلیسی هم داشته باشند، چراکه زبان خارجی و به‌ویژه زبان انگلیسی را جزو ضرورت‌های ارتباطی کودک می‌دانند. در این شرایط، اگر آموزش زبان انگلیسی از مهدکودک‌ها حذف شود، برخی خانواده‌ها ترجیح می‌دهند کودکشان را در منزل نگهداری کرده و برای آموزش زبان او معلم خصوصی بگیرند یا به آموزشگاه‌ها مراجعه کنند و گاهی در برخی مناطق تهران دیده شده که ترجیح خانواده‌ها برای کودکان زیر 6 سال خود این است که به جای حضور کودک در آموزشگاه‌ها، از کلاس‌های آنلاین برای زبان‌آموزی آنها استفاده کنند. در واقع، این قانون فقط برای مهدکودک‌ها چالش ایجاد می‌کند، چون رویکرد خانواده‌ها در مورد آموزش زبان خارجی به کودکانشان تغییری نخواهد کرد.»

هرچند که آموزه‌های مبتنی بر فرهنگ و زبان فارسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اما نباید این موضوع مهم را نادیده بگیریم که امروز، زبان انگلیسی، یکی از زبان‌های رایج جهان است که گاهی به عنوان زبان دوم در هر کشوری از آن نام برده می‌شود. به‌خصوص اینکه بسیاری از منابع علمی و تحقیقاتی، کتاب‌ها، مقالات، کنفرانس‌ها، وبسایت‌های علمی و... به زبان انگلیسی هستند. همچنین این زبان در حوزه تکنولوژی، نرم‌افزارها، سخت‌افزارها و... پیشرو است. بنابراین، بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، برنامه‌های آموزشی خود را بر همین اساس و به‌طور هدفمند ارائه می‌دهند و فقدان این برنامه‌ریزی‌ها در آموزش زبان دوم، از زبان انگلیسی و عربی تا... در بسیاری موارد، افراد را دچار مشکل خواهد کرد. از طرفی حتی اگر نخواهیم بر آموزش زبان انگلیسی تمرکز کنیم، با داده‌های تحقیقات جهانی و تجربه‌هایی که از سال‌های آموزش در کشور خودمان داشتیم، به راحتی قابل درک است که هرچه آموزش زبان دوم را دیرتر آغاز کنیم، امکان موفقیت و یادگیری آن کاهش می‌یابد.

آموزش زبان انگلیسی در مهدهای کودک در حالی جزو برنامه‌های روتین و حذف‌نشده است که در مقطع دبستان و حتی پیش‌دبستانی خیلی از مدارس با زبان سوم مواجه می‌شویم. یعنی به این شکل که غیر از زبان

انگلیسی که جزو لاینفک آموزش زبان از مقطع پیشدبستانی تا انتهای تحصیل مدرسه شده، زبان سومی مثل آلمانی، چینی یا فرانسه هم جزو زبان‌های اختیاری است که هر خانواده‌ای می‌تواند یکی از آنها را برای فرزندش انتخاب کند و بعد از پایان 6 سال ابتدایی او را مسلط به زبان سوم تحویل بگیرد.

آنچه در بین خانواده‌ها در خصوص زبان‌آموزی فرزندان‌شان اهمیت دارد، این است که هرچه سریع‌تر آنان را به دنیا وصل کنند و از هر آنچه باید بفهمند و یاد بگیرند، عقب نمانند. مساله‌ای که برای نسل ما اهمیتی نداشت و در سنین نوجوانی شاید والدین به این فکر می‌افتادند که کلاس زبان برای بچه‌ها مساله مهمی است و باید آنان را وادار به یادگیری زبان خارجی کنند؛ مساله‌ای که در خیلی مواقع با مقاومت فرزندان مواجه می‌شد و به دلیل جذابیت نداشتن کلاس‌های طولانی و خسته‌کننده زبان انگلیسی در موسسات آموزشی، این نوع آموزش خیلی دیر روی آنها جواب می‌داد. البته که آموزش زمخت و جدی زبان در آموزشگاه‌های زبان به هیچ‌وجه قابل قیاس با یادگیری انگلیسی در قالب بازی در مهدهای کودک نیست. نه آن آموزش‌ها به جذابیت این آموزش‌هاست و نه لهجه تلفظ کلمات ما به پای لهجه بچه‌های 4، 5 ساله امروز می‌رسد.

## توقف زبان‌آموزی به کودکان، دامنگیر فردایشان می‌شود

### ریحانه سیگارچی\*

امروز همه‌چیز عجله دارد، از تکنولوژی، علم، رشد و آگاهی بگیرید تا سرعت پیشرفت ذهن کودکان. سرعت دنیای مدرن امروز به قدری زیاد است که اگر از نوزادی هم، کودک را برای مواجهه با این دنیای شتابان آموزش بدهیم، باز هم با چالش‌های زیادی مواجه خواهد شد. در میان این همه عجله برای پیشرفت، خبر متوقف شدن آموزش زبان دوم به کودکان، خبری شوکه‌کننده است. کودکان ما بدون اینکه کسی به آنها از تکنولوژی بگوید، به محض اینکه فضای استفاده از آن را پیدا می‌کنند، خودشان تبدیل به آموزش‌دهنده‌های تکنولوژی به والدین و دیگران می‌شوند. در این میان چگونه می‌توان تصور کرد که به این دانشمندان کوچک بگوییم، الان وقت مناسبی برای آموزش‌تان نیست!



اگر بخواهیم از نگاه علمی و روانشناسی این خبر را مورد بررسی قرار دهیم، باید بگوییم که نه تنها متوقف کردن زبان‌آموزی به این نسل از کودکان آسیب خواهد زد، بلکه اثرات مخرب آن، دامنگیر ایران فردایمان خواهد شد. در دنیای امروز، کودک ما نیازمند مجهز شدن به ابزاری است که بتواند وارد آینده‌ای شود که دنیا در حال تبدیل شدن به آن است؛ حال تصور کنید در بهترین زمان یادگیری، در طلایی‌ترین فرصت آموزش، کودک را از آن محروم کنیم و این بار سنگین را بر دوش او بگذاریم تا در سال‌های بعدی، با تلاشی بیشتر برای یادگیری و با صرف هزینه و زمان بیشتر و البته احتمالاً با انگیزه کمتری باید خود را به این ابزار مجهز کند. این در حالی است که یادگیری زبان جدید برای کودکان معمولاً بعد از کامل شدن زبان مادری بسیار راحت‌تر امکان‌پذیر بوده و حتی برخی کودکان همزمان با زبان مادری آن را یاد می‌گیرند. کودک آماده به یادگیری، با ذهنی پر از پتانسیل، در برابر هر آموزش جدید، مشتاق و بدون مقاومت است. او را حتی نه فقط برای یک زبان، بلکه شاید بتوان برای زبان‌های دیگر هم آموزش دهیم. در این دوره رشدی حساس، مغز بیشترین توان ایجاد مسیرهای عصبی جدید را دارد و روبه‌رو شدن کودک با آموزش‌های جدید، هزاران شبکه عصبی جدید را در او راه‌اندازی می‌کند که کودک ما را تبدیل به فردی با قابلیت‌های چند جانبه و سرشار از توانایی برای همراه شدن با دنیای امروز می‌کند. آموزش زبان دوم در سن پایین به کودک (بر خلاف سنین بعد از نوجوانی) باعث می‌شود که حنجره و تلفظات گفتاری کودکان در ادای زبان دوم به درستی و زیبایی شکل بگیرد، چرا که بعد از نوجوانی، حنجره قابلیت انعطاف‌پذیری کمتری برای شبیه‌سازی کردن تلفظ‌های زبان دوم را خواهد داشت.

ذهن آماده کودک ما، می‌تواند بدون اینکه خواندن و نوشتن را بداند، زبان جدیدی را مانند زبان مادری یاد بگیرد و این آموزش تا بزرگسالی در خاطرش خواهد ماند! مهم در اینجا، انگیزه یادگیری است که کودکان با سطحی از انرژی خالص، آماده برای یادگیری هستند و انگیزه کافی برای دانستن هر چیزی که در این دنیا مشاهده می‌کنند را دارند! در چه سن دیگری می‌توان چنین هیجان یادگیری و اشتیاق بی‌نظیری را برای دانستن در انسان پیدا کرد!

اگر تصور کنیم که می‌توانیم تکنولوژی را از کودک امروز جدا کنیم، تصویری محال است و حالا مساله اینجاست که تکنولوژی در دسترس ما، تکنولوژی به زبانی دیگر است، زبان انگلیسی! پس چگونه ممکن است از او بخواهیم که توان بالقوه خود را بدون اینکه بتواند معنی زبان دیگری را بفهمد، برای خلق و کشف تکنولوژی به کار ببرد، در صورتی که باید از لحاظ درک گفتاری و نوشتاری با آن هماهنگ باشد. این

نیازی واقعی است که همین حالا نیز اکثر دانش‌آموختگان دانشگاه‌های ایران زمین، برای آرایه مقاله‌های خود در بهترین مجلات دنیا، با آن مواجه هستند و باید نتایج تحقیقات خود را که شبانه‌روز برای آن تلاش کرده‌اند، به زبان انگلیسی به چاپ برسانند. جالب‌تر آن است که برخی از بهترین مجلات علمی ایران هم، تنها مقالات به زبان انگلیسی را می‌پذیرند و از پذیرش مقاله به زبان فارسی امتناع می‌کنند! حال تصور کنید که چه امکاناتی از دست خواهد رفت، زمانی که محققان علمی ما، به دلیل ضعف در آرایه دستاوردهای خود به زبان انگلیسی، نتوانند از نتایج ارزشمند خود دفاع کرده و مجبور باشند آنها را به دست دارالترجمه‌ها بسپارند! این تنها نمونه‌ای کوچک از آینده است! آینده‌ای که اگر هرکدام از کودکان ما بخواهند در آن قیدی علم کنند، باید بتوانند با جهان، به زبانی بین‌المللی صحبت کنند. آیا با تصمیم به حذف زبان دوم از مهدکودک‌ها یا شاید بعد از آن حذف از مدارس آینده کودکان‌مان را خدشه‌دار نخواهیم کرد!

کمی علمی‌تر نگاه کنیم! امروزه تعداد کودکانی که با مشکلات تاخیر گفتاری درگیر هستند، روز به روز در حال افزایش هست و آمار کودکانی که به توانبخشی‌ها، روانشناس و گفتاردرمانگرها مراجعه می‌کنند بسیار زیاد است. در این بین تحقیقات می‌گویند اگر کودکانی که دچار مشکلات زبانی هستند را در معرض آموزش زبان دوم قرار دهیم، سرعت پیشرفت آنان بسیار افزایش می‌یابد و روند بهبودی سریع می‌شود. تصور کنید کودکی با تاخیر گفتاری وارد مهدکودک می‌شود؛ در معرض زبان دوم قرار می‌گیرد و بدون اینکه والدین و مربیان بدانند که او در حال درمان است، می‌بینند که مشکلات گفتاری کمرنگ‌تر می‌شود، در اینجا آموزش زبان دوم، خود نقش درمانگری را بازی می‌کند که نه ما از او خبر داشتیم و نه کودک!

و روانشناسان! آنها مدام تاکید بر آموزش مهارت‌های زندگی به کودک را دارند و یکی از اصلی‌ترین اهداف فرزندپروری را یادگیری این مهارت‌ها می‌دانند! مهارت زندگی به کودک قدرت حل مساله و مدیریت خود و امکاناتش را می‌دهد و تمامی این ابزارها او را برای داشتن اعتماد به نفس و عزت نفسی قابل قبول آماده می‌کند. در این بین کودک ما در حال پرورش استعدادهایش است و روز به روز نه تنها والدین بلکه خود کودک هم، بیش از پیش به خود و توانمندی‌هایش افتخار می‌کند. تا اینجا همه چیز عالی پیش رفته! اما کافی است کودک محروم شده از زبان دوم را در جمعی از کودکان همسن و سال خود که مهارت زبانی بالایی دارند قرار دهیم! چه می‌شود! اعتماد به نفسِ رشد کرده کم‌کم تضعیف خواهد شد و ارزشمندی خود را دست‌کم می‌گیرد و منِ بی‌ارزشی شروع به رشد می‌کند. حال تصور کنید کودک نخبه ما را

در جمعی از نخبگان دنیا وارد کنند، کودک از همه جا بیخبر حتی اگر دستاوردی برای آرایه داشته باشد هم دیگر اعتماد به نفسی برای نمایش آن نخواهد داشت! چه رسد به انگیزه‌ای برای ادامه!

علاوه بر آنچه گفته شد، دلایل متعدد دیگری نیز برای ضرورت آموزش زبان دوم مطرح است، اما سخن را کوتاه می‌کنیم و امیدوار هستیم، تصمیم‌گیرندگان این حوزه، با تغییر نگرش خود نسبت به این موضوع، فرصت تعالی بیشتر فرزندان ایران زمین را از ایشان دریغ نکنند.

\*دکترای روانشناسی  
روانشناس کودک و نوجوان

منبع: روزنامه اعتماد 21 آبان 1402 □□□□□□□□